

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت قهرمانانه رفیق مرتضی میثمی و رفیق منصور پورجم

هم میهنان گرامی!

مردم بیباک و ورزنده ایران!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با انزجا ربیکران ارتشکا ربهیا حکام مرتجع جمهوری اسلامی به اطلاع میرساند که دو کادر برجسته و گرانقدر جنبش انقلابی ایران، فدائیان راستین خلق رفیق منصور پورجم عضو کمیته یالتی خوزستان و رفیق مرتضی میثمی دبیر کمیته ناحیه ای شرق تهران در زندان اویسن بدست دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند.

ما موران رژیم با کابرست انواع شکنجه های جسمی و روانی تلاتن کردندا رفقارا زیاید آوردند و بشکندند و تسلیم مقاصد شوم خود کندند. اما مقاومست قهرمانان نه رفقاهم تلاشهای دژخیمان را با شکست مواجه کرد. آنان سر بلند ایستادند و تسلیم نشدند. دژخیمان وحشیانه به انتقام روی آوردند. رفق مرتضی میثمی و منصور پورجم را برآوردند و شهادت ترسناک شکنجه ها به شهادت رساندند و از بیم شمسای مردم زحمتکش حتی از دج خیر این جنایت فجیع در مطبوعات حتی جلوگیری کردند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بخاطره تابناک و همیشه جاویدان رفق منصور پورجم و مرتضی میثمی درود میبردند و به خانواده و بستگان رفقای شهید تسلیمت میگوید. کمیته مرکزی ایستادگی دلیرانه و حماسی رفق پورجم و میثمی را ایستادگی و همت یاران سازمان را به امتوختن از ایمان انقلابی و وفاداری عمیق آنان به راه و آرمان زحمتکشان، بسنراهی حماسه ساز روپرا افتخار فدائیان خلق فرا میخواند. در این خون چکان لحظه های پراز عشق و کین عهدی میثمی که همچون روزبه ها وارانها، همچون جزئیها و کسریها، همچون حمید اشراف و دیگر شهدا مان تا آخرین نفس با ایثار همه هستی مان به راه خلقها مان وفادار باشیم. عالمتربین آرزوی ماست که رهروان صدیق و پاکبازان رفته رفته مان باشیم.

هم میهنان عزیز!

سران رژیم جمهوری اسلامی از این جنایات شیطانی دست بردار نیستند. آنها که راه خیانت به شما و انقلاب شما را طی میکنند میخواهند صدای اعتراض و مبارزه شما علیه این خیانت بزرگ را خاموش کنند. آنها که در راه حمایت از سرمایه داران بزرگ و خانها و فئودالها و در راه سازش با

اعتراض مردم، ایستادگی زندانیان سیاسی

و فریاد کارگران

بنابر اعلام مسئولین رژیم سران جمهوری اسلامی هیات تازه ای متشکل از حکام شرع و مسئولین قضایی راه منظور رسیدگی بوضع زندانیان تشکیل داده اند. در ترکیب هیات تازه چه سره منفوری نظیر آیت الله محمدی کیلانی حاکم شرع اوین حضور دارند. نظرات و اقدامات این هیات درباره زندانیان بر پایه نظرات با روحیان روسای زندانها و حکام شرع، یعنی حیانتکارانی نظیر کیلانی و لاجوردی، استوار است. حضور جنایتکارانی نظیر کیلانی که با حکم آنها هزاران نفر از زندانیان زیر شکنجه و ساء در برابر جوخه های اغدام به شهادت رسیده اند اقدامات آنها خود مظهر تسهکاربهای رژیم علیه زندانیان سیاسی است و عواقب فزاینده سران خائن جمهوری اسلامی را برملا میکند.

بدستور همین آقایان و قبل از همه شخص آیت الله خمینی است که دهها هزار نفر از مبارزان راه استقلال و آزادی و از مردم مبارز کوچجه و بازاریار در سیاهلای رژیم به بند کشیده شده اند. اکنون نیز سران رژیم در راه سرکوب آزادیخواهان ایران، احزاب و سازمانهای مترقی ایران و مبارزات مردم مدبوحا تلاش میکنند و مرتکب جنایات بی شمار میشوند. اما آنها با تشدید رودروشی مردم و با افشاکسری گسترده و ایستادگی احزاب و سازمانهای مترقی ایران و مقاومت حماسی زندانیان و اعتراض در حال گسترش محافل و نیروهای دموکراتیک جهان و سرور و خنده اند. هدف جاوروخناهای اخیر سران رژیم پیرامون زندانیان هم کاهش فشار مردم و نیروهای دموکراتیک ایران و جهان است. سران رژیم خیال میکنند که با سرکوب مردم و نیروهای دموکراتیک ایران به همه

بقیه در صفحه ۵

نقش و ضرورت هسته های مخفی کارگری

نیروی طبقه کارگر در تکوین انقلاب و پیروزی آن نقش قطعی داشته در دوران پس از آن، طبقه کارگر جمهوری اسلامی در برابر امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی و سازشکار حمایت میگرد. محاصره اقتصادی امپریالیسم و اصلاحگری ارتجاع و نیروهای سازشکار در تولید رابیسای افزایش تولید غنشی می نمود. در دوران گسترش انقلاب در مبارزه همه اقشار خلق برای تحقیق آماجهای مشترک فعلا نه شرکت داشت و گسترش این مبارزه را در تنظیم و طرح مطالبات خود منعکس میکند.

کارگران ستون انقلاب بهمن بودند. در حفظ انقلاب و گسترش آن نقش قطعی داشتند. رهبران رژیم هم، آری زمان که هنوز به آماجهای انقلاب خیانت نکرده بودند، با این حقیقت اعتراف میکردند. اما با تغییر سیاست و سمت گیری رژیم هیست حاکمه فداکارهای عظیم توده کارگران را نادیده میگرد و به تنه مطالبات بحق آنان را برآورده نمیکند. بلکه مبارزات کارگران را با خونسف سرکوب میکنند. چرخش هیات حاکمه بر راست و تشدید مداوم مقابله با مبارزات کارگران، کارگران را در برابر شرایط متفاوت با گذشته قرار داده است. در حال کارگری ایران این واقعیت که حکومت در حقیقت کلان سرمایه داران قرار گرفته است و از آن سترگه روی کارگران شلیک میکند با وضوح هر چه بیشتر می پذیرفته میشود. در این محافل هیات جنبش کارگری توده کارگران را دعوت میکنند که در مبارزات جاری، بر نیروی عظیم خود متکی شوند. تجربه جنبش قانون کار در زیر کشیدن توکلی از وزارت و در کنار ردن قانون کار ارتجاعی او و رد پیش نویس ارتجاعی جدید و نیز تجربیات عملی مبارزات اخیر، توده کارگران را بیشتر قانع کرده است که راه نجات آنها در وحدت و تشکیلات است. در محیط های کارگری این فکر که راه خروج از وضع فلاکت یار کنونی عمل مستقل کارگران تحت رهبری تشکیل مستقل آنان است، نفوذ عمیقاً روزافزون مییابد. رسوخ این اندیشه در لایه های مختلف کارگری نیروی آنان را برای مبارزه آزاد میکند و نیروهای تازه و نازتری از کارگران را بصوف جنبش کارگری سازمان میدهد. تقویت دائمی جنبش کارگری بسای نیروهای تازه موجب آن شده است که سیاست سرکوب هیات حاکمه به نتایج دلخواه او منجر نشود و حکومت در جلوگیری از گسترش دامنه توده های مبارزه عاجز بماند. این واقعیت که تنها در شش ماه اول سال جاری حداقل صد مورد اعتصاب کارگری روی داده است نشان دهنده عزم راسخ کارگران به ادامه مبارزه در این شرایط سرکوب و خفقان و درماندگی هیات حاکمه در جلوگیری از گسترش این مبارزه است.

این مبارزه است. در دور جدید مبارزات کارگری، تسایل توده کارگر به حرکات جمعی تر، در سیکارگری روش های موثرتر و مبارزه سازمان یافته تر تقویت شده است. این نیروی عظیم مبارزه را تنها و تنها می توان در سازمانهای عملی و مستقل کارگری سازمان داد و هدایت کرد. توده کارگران تشکل مستقل کارگری می خواهند تا این سلاح را در دست گیرند و علیه دشمنان خود مبارزه کنند. آرایش و وفاداری کارگران برای ایجاد و حفظ و گسترش تشکل کارگری و برای خارج کردن رهبری تشکلها از

بقیه در صفحه ۴

دگرگونیهای درونی جمهوری اسلامی

و تاکتیک امپریالیسم

هر روز که می گذرد توجه به دگرگونیهای درونی جمهوری اسلامی، در چارچوب نقشه های آمریکا و دیگر امپریالیستها برای بازبینی و بازسازی مواضع از دست رفته شان در ایران اهمیت بیشتری می یابد. اکنون به آسانی میتوان دید که گامهای سیاست برداری امپریالیستها بیش از هر زمانه سیه ردگیری و بررسی رخ داده در نهادهای حکومتی و مراکز قدرت جمهوری اسلامی مشغول شده اند و غرب با انتظافات پذیرایی بسیار به ای سیاست ها و اقدامات و تبلیغات خود را آنچه "تحولات مثبت در جمهوری اسلامی" می نامد هماهنگ می سازد.

در چند ماه گذشته یک رشته از رویدادها که مهمترین شان دیدار و گفتار از ایران، ودلایحه سترو شده دولتی کردن تجارت خارجی از سوی شورای نگهبان و فرمان برنظین چهارم شهریور خمینی به دفاع از تجارت آزاد و آزادی لگام گسیخته کلان تاجران بودا طمینان امپریالیستها به تدابیر و تمکین استتگیری ارتجاعی حکومت رابیسای افزایش داده است. از این رهگذر در میان ابوزیبون ارتجاعی جمهوری اسلامی، آژنشاء پرستان مشروط و نا مشروط گرفته تا انبوه رهبران و وزیران معزول و نامعزول نیز شور و جوشی افتاده و جمعی از رقص شمیر دست کشیده و توبه و توبه و توبه و توبه آورده اند.

پرسش این است که دگرگونیهای درونی جمهوری اسلامی در نقشه امپریالیستها برای ایران و در مناسبات آنها با حکومت آیت الله خمینی بطور مشخص چه تغییری پدید آورده است؟ گیش از هر چیز با یادگفت به این پرسش یک با روبروای همیشه نمی توان پاسخ داد. مناسبات متقابل جمهوری اسلامی و سترگ همانند در حال تکوین است و روند تکوین نیز بسیار متغیر و عوامل بسیار گوناگونی قرار دارد. بنا بر این همانگونه که تعیین مضمون و سمت اصلی سیاست های آمریکا و متحدین آن در قبال دگرگونیهای جمهوری اسلامی اهمیت دارد، شناخت و محاسبه دقیق مجموعه شرایط و عواملی که بر این سیاست های امپریالیسم تأثیر می گذارد نیز بر اهمیت است.

آنچه امپریالیستها "تحولات مثبت درونی" جمهوری اسلامی" می نامند نه یک یا چند رویداد بلکه یک روند همه جانبه را شامل می شود. این همان روند ارتجاعی است که به حاکم شدن ارتجاع بر کشور و هجوم برای نابودی همه دستاوردهای انقلاب بهمن و تسهکاربهای کنونی حکومت آیت الله خمینی علیه مردم و میهن انجامید. استقرار استبداد خونین مذهبی و سرکوب آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی، هجوم ددمنشانه به حزب توده ایران و شعله ور کردن کمونیسم سترگی و شوروی سترگی، رد فوآئین اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازرگانی خارجی، دفاع از کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ، سرکوب مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر اقشار مردم زحمتکش در پیش گرفتن سیاست درهای بازرگانش پرشتیاب مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیستها، و به موازات این همه ادامه جنگ و بیرونگر عده عناصرتشکیل دهنده این روند هستند. در این میان سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی کشور و تعلل و راحش شوروی سترگی از یکسو و حفظ و تحکیم نظام اقتصادی مشروط با زمانه از رژیم شاه از سوی دیگر آن لحظه های املی هستند که آمریکا و هم دستا

اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

این صحنه سازی ها را محکوم می کنیم

در صفحه ۴

"پیام"

رفیق سیاوش کسرای شاعر انقلابی کشور ما و رزمنده پیگیر حزب توده ایران به مناسبت برگزاری پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) "پیام" را سروده است در صفحه ۲

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

دگرگونیهای درونی جمهوری اسلامی و ... بقیه از صفحه اول

موردوران آن برای کشاندن جمهوری اسلامی براه خواستند خویش از آغاز آنها با فخر شدند.

خمینی و یاران او همواره می گفتند که آمریکا با اسلامی بودن حکومت و حاکمیت روحانیون دشمن است اما هراس آمریکا و متحدان آن از انقلاب بهمین راستی است زیرا میراث لیستی و ترقیخواهانه حاکمیت جدید بود پس هنگامیکه رهبران جمهوری اسلامی به مردم خیانت کردند و رهبر و محرمی روندهای ارتجاعی شدند، آمریکا و کل غرب نیز تطبیق نقشه های خویش با شرایط جدید و تجدید مناسبات با حکومت آیت الله خمینی را آغاز کردند. آنها همانگونه که گذشت پس از سفر سه روزه اش به ایران جمع بندی کرده است به این نتیجه رسیده اند که: تمایل دولت ایران به عادی کردن روابط آن با غرب منطقی و درست است و غرب باید به آن نظر مساعد نشان دهد. این جمع بندی البته تا زگی نداشت بلکه تکرار تا چندین بار جمع بندی سران هفت کشور امپریالیستی در گردهمایی ویلیامزبورگ بود که به نوشته مطبوعات غربی منصفانه مواضع کرده اند به آنچه پیش درآمدهای اخیر ایران برای بهبود رابطه با غرب، نامیدند به گرمی پاسخ دادند. امپریالیستها با امیدواری به تحولات مثبت درونی جمهوری اسلامی در کفینشان ویلیامزبورگ به این نتیجه رسیدند که: برای سوق دادن دولت ایران به جانب دولتی میان رویا پستی به دریاغ سرشان دادن آن روی خوش نشان داده شود.

که امپریالیسم در اینجا آن نقش عمده داشت به است آنجام می پذیرند. آمریکا و متحدین آن از هزاران راه و با هزاران تیرنگ برای فرسودن انقلاب بهمین دست جمهوری اسلامی کوشیده اند و امروز نیز سعی دارند تا کارگر را در نوید دهای درونی جمهوری اسلامی با بند.

حک ایران و عراق که آماج اولیه آن تجزیه کشورها و درهم شکستن انقلاب بهمین بود در فراموش کردن شرایط شکست انقلاب و مسخ جمهوری اسلامی و تسلیم رهبران رژیم از همه تا گنجیهای امپریالیسم بیشتر تا تیرگذا رده. لذا او جنگ امروز نیز بستن برای امپریالیسم، یک اهرم اطمینان بخش جهت تسلیم رهبران جمهوری اسلامی است.

امپریالیستها برای تقویت و تسریع روند نزدیک جمهوری اسلامی به خود همچنان بدقت از سیاست تهدید و ترغیب بهره میگیرند. آنها یک دست رژیم را به گرمی می فشارند و دست دیگر آنرا سختی می بچکانند. با یکدست نفت را تحویل می گیرند و اسلحه و کالاهای مرفهانه به جمهوری تحویل می دهند و با آن قرار دادهای کوتاه مدت و دراز مدت اقتصادی می بندند و با دست دیگر آنرا پیش از پیش دریا طلاق جنگ غرق می سازند و به حمایت تسلیحاتی و اقتصادی محتاج می کنند و شمشیر آریا مهرشان خود را به تهدید در برابرش به نمایش می گذارند. شیطان بزرگ می گوید تا جمهوری اسلامی را با ذلت بسنجی بیعت نکشاند.

نکته دیگری که باید بر آن تاکید کرد این است که تکیه بر تحولات درونی جمهوری اسلامی در نقشه امپریالیستها به معنی بی اعتبار شدن دیگر شقوق و با کم توجهی امپریالیسم به آنها نیست. امپریالیسم با یک دست با زنی نمی کند، خصوما وقتی با زنی هریمتی او در شرایط بفرنجی چون شرایط کشور ما و در مقابل رژیم برتناقضی چون رژیم کنونی ایران باشد.

کشور ما کشوری است دارای استقلال سیاسی و این دستاورد بزرگ انقلاب بهمین است. مردمی که ایستادگی را کسب کردند بدین نگران آنند و از آن با قاطعیت دفاع می کنند، بنا بر این اگر چه رژیم استقلال کشور را با سیاستهای بسیار ارتجاعی در معرض خطر جدی قرار داده اما امپریالیسم برای باز پس گیری و بازسازی مواضع از دست رفته اش خود را با مشکلات و موانع متعددی روبرو می بیند. گزینش تا کتیک تکیه بر تحولات درونی رژیم از سراجبار است و به اختیار، امپریالیستها به تحولات درونی جمهوری اسلامی خود گویای آنست که آنها تا این منافع خویش را در گرو پیروزی مردم نگارند می دانند که با عوامل گوناگون مشروط می شود. بر این پایه با قاطعیت باید گفت که آمریکا و همدستان آن به یک انتخاب ساده بین مطلوب ترین امکان که شاه برستان با خود و با فعل ترین امکان که ارتجاع حاکم با شدن نمی دهند، بعکس در حالیکه

می کشند هر دو خصوصیت در یکی جمع شود و راه رسیدن به مقصود تا حد ممکن نزدیک و آسان گردد، امکان است خود را بر عرصه طرطن اهریمنی خویش چنان سازمان می دهند که تسلیم رهبری جمهوری اسلامی زیر فشارهای از جهات مختلف تسریع شود و در عین حال از راههای مختلفی بتوانند به مقصود خود که احیای مواضع گذشته شان با بند نزدیک شوند.

تغییرات حاصله در سیاست امپریالیسم نسبت به حکومت اسلامی سرچشمه تغییرات مناسبتی در مواضع نیروهای وابسته به بورژوازی ارتجاعی شده است. طبیعی است که بسیاری از دلایل امپریالیسم برای امید بستن به ارتجاع حاکم مستقیما می توانست برای نیروهای بورژوازی ارتجاعی نیز حجت و یا سرچشمه امید باشد، اگر راههای تازه ای برای سرزیر شدن سرما به آنها و متخصصین و ما مورین غرب به ایران باز شده چه دلایلی دارد که سرما به ایران و متخصصین و ما مورین آریا مهری زود ترا زهمه از همان راهها به وطن باز نگردد و بواسطه خویش را نگترانند؟

افزون بر این باید گفت که آشتی دادن جمهوری اسلامی با این زیاده های نداشتند جامعه ما برای غرب از اهمیت بسیاری برخوردار است و خود ما مثل تضمین کننده دیگری برای اعتماد آن به جمهوری اسلامی است. ارتجاع حاکم نیودلیتی نمی بیند که بسیاری از این نیروها را برای خدمت به وطن قرار نخواند. به صورت شاه راه سود سرما به آنها همه یک سمت دارد و می توانست عبا رحمت جمهوری اسلامی را مشترکاً بشکند.

بر اثر چنین رویه های است که می بینم در میان فراریان مرتجع و غرب گرا بحث در افتاده و اینجاست آنچه زیت های نمایشی برای جلب رژیم آیت الله خمینی آغاز شده و چکه و چاه های در پرده وبه پس رده سران این دارو دستها با مرتجعین حاکم بر صفحات مطبوعات غرب تفت می بیند.

روزگاری آیت الله خمینی گفت: "آرزوی مرا که آمریکا از ما تعریف کند یا بدعا از گرفتار است. روزی که کارتر و ریگان از ما تعریف کند معلوم می شود در ما اشکالی پیدا شده است. تک نیست که این گفته ها کلام درست بوده و مردم نیز آنها را باور کردند و دنیا سپردند. اکنون که رهبران جمهوری اسلامی خود به دلجویی و جلب اعتماد غرب متفولند البته دیگران زنجیرند. تعریف و تمجیدهای آمریکا و غرب اگر اهی بدل راه نمی دهند، بعکس تا در وقت خرنیز می شوند. اما مردمی که نمایانهای بر طرطن آنان را باور کردند با همان شعارها بر فرقی این "رهبران" می گویند. بسیاری از توطئه های امپریالیسم و ارتجاع علیه آزادی و بهروزی کشور ما احتمالات گوناگون است اما بقتن این است که چهل میلیون ایران، آندیده در کوره انقلاب هرگز نخواهند گذاشت که آن آب های رفته به جوی دشمنان باز نگردد."

در آن کفینشان امکان "میان رو شدن حکومت ایران، یعنی هماهنگ شدن آن با خواستهای امپریالیستها مورد تاکید قرار گرفت و تا کتیک مسخ رژیم در نقشه های آنان با رهم جای مهمتری پیدا کرد. از آن زمان تا کنون سانگونه که پیش ترا اشاره شد روند پیدا دها در جمهوری اسلامی با آنچه امپریالیستها "تحولات مثبت" می نامند ایستادن محاسبه آنان را تدقیق و تقویت کرده است. آمریکا و همدستان پیش از این قانع می شوند که اولاً حفظ و تحکیم مستگیری کنونی جمهوری اسلامی در مسست تا مین منافع آنهاست، ثانیاً امروز اقمی تریس شق و با لعل ترین امکان برای پیشروی در مسست تا مین منافع چپا و لگرا نه شان تکیه بر "تحولات درونی جمهوری اسلامی" و کشاندن هر چه بیشتر و تند تر حکومت آیت الله خمینی به راه مطلوب خویش است.

امیدواری فزاینده امپریالیستها به تحولات درونی جمهوری اسلامی هرگز بدین معنی نیست که آنها به سر خود بخود این دگرگونیها اطمینان دارند و با سرچین چیزی تکیه می کنند. بعکس دگرگونیهای ارتجاعی جمهوری اسلامی عمیقاً زیر تا نیر تلاشها و توطئه های امپریالیسم بوده و در شرایط

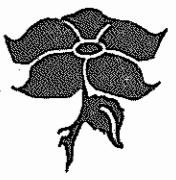
دریافت طرفه پهلو ان که میدان رزمشان بلعید اما گنج آزمون و عطر با ورشان بجای ماند و دریفا آن گنگشته سندان که جز شهید و گرد نعلشان را در آسمان یاد خویش نداریم و شادا پیوند امید آفرینمان به پویه و کار و بیگار و توان تناور ارتش رنج که با ماست و باید نبرد آخرین را به پیروزی بنشانند.

قطره ایم، اما بی سکون شبنم، نه دانه، دریا که روح تلاش در پیگر ماست.

ای قطره های اشک و خون و عرق دریا را به کام بگیرد که مستی بدین جام، نوششان باد!

با خون برخاستگان، اینک به اندیشه می نشینند تا با کلک هنر بر طومار تاریخ فرمائی دیگر بنویسند و لحظه ها - با کاسه ها شان تهی - در مغز سندان روزی بیگانه، خود می خواهند و نه هر خورش که گوارش آنرا بر نمی تابند؛ شیرمال خرد، دستپخت توده، برآمد از تنور تجربه.

"پیام"



همه به بال های اشتیاق را می شنوم که در افق پارو می کشند و پیش می آیند.

سرود امواج را می شنوم که از کرانه های آینه تا توفان را در خیزاب معهود بسپح کنند.

آه جشن شهاب هاست که آسمان راه باز می کند و سحر در می کشاید و پلنگان به بر آمدن ماه سرخ بدین قله فراهم می شوند.

خوشا بر آمدن بنای بهروزی که از آبروی یاران و بیگر رفیقان شما آب و گل میگیرد و خوشا ریشه در خون داشتن و شاعر به سببانی خلق افراشتن.

به وطن نگاه کنید! به قفس برندگان سیا هیوش که نوک های خونین دارند. به خاکش نگاه کنید که غبار سرخ لاله ها از آن بر میخورد. به جاده هایش که در آن کاروان های فقر و آوارگی موج میزند. و آسمانش که بر خشم بر آن گروه می بندد. گوش بداریدش! صدای مویه است صدای شلاق هاست که آبی نمی برد صدای سرودها و رکبازها و این آتش و دود و دود و دود و بوی سوختگی که از مرزهایش بر میخورد کماندان را و کمین کردگان را بر جانش ببیند! و چنبره، دام را که بزم بیشتر بر او تنگی می کند...

اینک بگویند آن کلام که باید اینک بنویسید آن واژه که شاید! شب خوش! ستارگان بچیگر، شب خوش! شما را به گنگاش روشنانه وامی گذارم و خود - چشم بر زمین مادر - پاسدارانه همچنان به شکر دی آواز می کنم.

سیاوش کسرائی
مهر ماه ۱۳۴۳

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

اطلاعیه کمیته مرکزی

امیرالاستهای غارتگری پیش میروند... میگویند فرزندان دلبر و جانا زما را از سر راه بردارند... همین دلیل تلاش میکنند است...

جاودان باد خاطره تابناک فدائیان شهید رفیق مرتضی میثقی و رفیق منصور پورجرحم

یادنامه رفیق شهید مرتضی میثقی... رفیق شهید مرتضی میثقی دبیر کمیته ناحیه ای تهران و کار در برجستان سازمان در سال ۱۳۴۵ در یک خانواده...

پس از پایان تحصیلات آموزشگاه در شهر مشهد آموختاری کرد... سپس در زادگاهش آموزش دانش آموزان را ادامه داد...

رفیق مرتضی در روزهای مبارک تابستان ۱۳۵۷ به تهران مهاجرت کرد... در آنجا با گروهی از جوانان مبارز آشنا شد...

در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی کمیته مرکزی رفیق را برای نمایندگی مردم قزوین معرفی کرد...

در آذرماه ۵۹ به تهران مهاجرت کرد... در آنجا با گروهی از جوانان مبارز آشنا شد...

در زمستان سال ۵۹ جلادان اوین او را بازداشت کردند... اما از او هیچ مدرک بدست نیامد...

پس از چند ماه بازداشت به اجرا گذاشته اند... اکنون نزدیک به یکسال است که فداایی سرشناس و قهرمان این ایزد پستان دگی در زندانهای رژیم شاه... عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفیق انوشیروان لطفی توسط عمال رژیم برده شده...

خروچی خود را علیه تبهکارهای رژیم رستاسر سازید... علیه بیگردد و بازداشت و شکنجه و کشتار

مسئله مسکن و مبارزات مردم

بی خانمانی و نداشتن سربانهی برای زندگی درد بزرگ اکثریت مردم شهرهای ایران است... سبیل هزاران مهاجر محروم روستایی که بر اثر سیاستهای ضد مردمی ارتجاع حاکم خانه خراب و در در شده اند...

تخلیه آپارتمانهای اجاره ای با حکم حکام شرع جمهوری اسلامی و نداشتن اعتبار مال زور ما مورس یکی از رویدادهای هر روز در شهر ما است... در جریان این اقدامات اغلب سبن مردم ما مورس رودر روی و درگیری پشیمان می آید...

با حمله ارتجاع به حزب توده ایران و بیگردد رهبری و کارهای سازمان، رفیق در مسئولیت رهبری یکی از کمیته های ناحیه ای تهران قرار گرفت... در این دوره با کارادانی، هوشتاری احساس مسئولیت نیروهای تحت رهبری خود را در مبارزه هدایت میکرد...

در آذرماه ۵۷ به تهران مهاجرت کرد... در آنجا با گروهی از جوانان مبارز آشنا شد...

در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی کمیته مرکزی رفیق را برای نمایندگی مردم قزوین معرفی کرد...

در آذرماه ۵۹ به تهران مهاجرت کرد... در آنجا با گروهی از جوانان مبارز آشنا شد...

در زمستان سال ۵۹ جلادان اوین او را بازداشت کردند... اما از او هیچ مدرک بدست نیامد...

انقلابیون و میهن پرستان بیباخیزه امان دهها هزار زندانی سیاسی در سبانه جالهای رژیم در نظر است... دست دژخیمان را از جان فرزندان دلیر سر و قهرمان خود کوتاه کنند...

جاودان باد یاد فدائیان شهید مرتضی میثقی و منصور پورجرحم

رستاسر با فداییان اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آذرماه ۱۳۶۳

چیزی نصبشان نمیکرد در حالیکه شعار میدادند مگر از روی جنازه های ماردنوش و تخلیه کنند... آنجا را ترک کردند...

تخریب خانه های محروم مردم محروم با خون دل سرهم میکنند... همچون اقدامات مشابه آن در زمان شاه منصور باختم و مقاومت شدید مردم مواجه میشود...

در عدل آباد (حاده بهشت هرا) اهالی محل بر سر ما موران شهرداری و کمیته که مشغول تخریب خانه بودند ریخته، آنان را مطلقاً کتک می زنند... ماشین کمیته را سرنگون کرده و مجبورشان میسازند که فرار کنند...

در شهرک قدس (قلعه حسن خان سابق) ما مورس اوقاف مردم را حمله کرده مدعی وقفی بودن زمینها و پرداخت اجاره میشود... بدسالم امتناع مردم با آوردن چند لودر به تخریب خانه ها میپردازند...

فقدان آب و برق نیز ارجله مسایلی است که مبارزه توده ای بسیار گسترده ای را در همه شهرهای ایران برانگیخته است... میان گفت که مبارزه شجاعانه مردم انصره در سال گذشته، امسال مدام در حال تکرار است...

در اواسط تیرماه اهالی فقیر نشن شمال شهر خلخال بخاطر نداشتن آب و سوری در اداره مزبور احتجاج کرده و از آنجا در حالیکه طی سرحرکت خواستهای خود را بلندگو فریاد می رسد...

در مردادماه ۵۵ نفر از اهالی حومه موشک "اراک" برای کمیته بود آب به تظاهرات پرداخته بطرف مرکز شهر اهیمایی می کنند...

به محضره خودگرفته بودند مانع ورودشان به خیابان اصلی شهر شده آنان را در محسدی داخل نموده و بدسالم بخراش و تهدید، آنها را به محل برگردانده و چند نفر را دستگیر میکنند...

بررسی گرفتاری اعتراض و مطالبات مذکور از نمونه هائی است که نشان میدهد اساس اعتراضات و مبارزات شکل حودانگین و سزاکنده روزیافته، بدون سازمان و سربامه و رهبری منب بعد در صفحه ۷

اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره اعلام شروع محاکمه اعضای رهبری حزب توده ایران و تعلیق آن این صحنه سازی ها را محکوم می کنیم

هم میبمان گرامی !

نگام مرتجع جمهوری اسلامی پس از نزدیک به دو سال شکنجه جسمی و روحی اعضای رهبری و مسئولین حزب توده ایران در سیاه چاله های اوین به صحنه سازی دیگری روی آورده و فربیکا را نه اعلام کردند که محاکمه اعضای رهبری جزیتوده ایران بطور علنی در محل زندان اوین آغاز خواهد شد، لیکن چند روز پس از این ادعای رسوا، خود را ناچار دیدند تا برای سرنگ بردن این خیال که بتوانند در فرضی دیگر سرنگ تازه ای بکار گیرند، اعلام کردند که «محاکمه» فعلا آغاز نخواهد شد.

هم میبمان عزیز !

شما از کارنامه سیاه و خونین جنایات عمال رژیم در اوین و دیگر زندانهای کشور مطلع هستید، کیست که نداند در شکنجه گاهها و قتل گاههای رژیم در این سالها چه گذشته است؟ هیچکس نیست که سوار کند گمان بر رژیم بنابه میل و اراده خود حاضر است برای میثمان «دادگاه علنی» تشکیل دهد. اعلام علنی بودن دادگاه و همچنین اعلام به تاخیر آمدن آن هر دو حیلها نیست که محاکمه مرتجع جمهوری اسلامی تحت تاثیر اعتراض عمومی وجهان به جنایات رژیم در زندانها برای فریب مردم ایران وجهان بکار گرفته اند.

نقش و ضرورت هسته های مخفی کارگری

کارگری راکمونی از دست عناصر و عوامل حکومت توده است تا بدیهه کارگران را برای رساندن برای کسب ضرورتی به شکلهای واقعی کارگری مجبزشوند. باید اریکسودر اوجدهای تولیدی یا خدماتی پیوسته در واحدهای بزرگ که سپردلیل فاداسیگونه تشکیلها هستند، آن را سازمان داداوسی دیگری تشکیلهای موجود را بسازی کرد و با طرد عناصر مخفی و فداکارگری رهبری این تشکیلها، آنان را در مواضع کارگران فرار داد.

ارتجاع همیشه کارگران را متفرق میخوهد، از وحدت و تشکل کارگران همواره بیبناک است از اسبویه موازات تقویت مواضع ارتجاع در حاکمیت بورژوازی به تشکلها و تعاونیهای کارگری تلاش برای متلاشی کردن وسع تشکیلهای کارگری تشدید شده است سیاست هیات حاکمه بر این پایه قرار گرفته است که توده کارگران را از فعالین جنبش کارگری و ارتداد و رهبری تشکیلهای واقعی کارگری محروم کند تا مغایریت کارگران را درهم شکند، بهمین دلیل حربه اخراج و سرکوب پیش از هر زمان دیگر علیه کارگران بکار افتاده است.

همانطور که گفتیم کارگری در بورژوازی ارتجاع درکسوت شوکلی را از دست و رسوایی روبرو کرد، این را بنیبر تلاشهای هیات حاکمه را با گسترش مبارزه مقتضانه شکست حواهد داد، در همین راستا باید اقدامات ضرور برای نسیک کار مل تلاشهای ارتجاع حاکمان شود، در پاسخ به این ضرورت باید تا تجربه تریسب و منارترین و موثرترین کارگران را در حواحد تولیدی یا خدماتی درگروههای جداگانه، محدود و مخفی، سازمان یابند، و طبیعه اصلی این گروه فعالین جنبش کارگری که آسراسته مخفی فعالین کارگری میسایم، رهبری مبارزه جاری کارگران، دفاع از حواستهای آنان و نیز تلاش مدام برای ارتقای حواستها و وسط مبارزه توده کارگران است. هسته های مخفی باید گسترش نقش و توان تشکل های کارگری در رهبری مبارزه کارگران را در دراز و وسط خود فرار دهند.

هرچه وظایف هسته های مخفی بطور کلی روشن است، اما وظایف مشخص آنها در تاسیب مرحله رشد جنبش توده ای کارگری وسط مبارزه کارگران محل و غیره تعیین می شود. در نیمه دوم سال ۷۷ اهداف مقدم جنبش توده ای و سندیکاها کارگران ایران سرکنونی رژیم استبدادی و سلطنتی تا به بود، وظایف هم که فعالین حسن کارگری در برابر کارگران می دیدند، ناشی از این هدف بود. «براین اساس تشکل مخفی فعالین جنبش کارگری نیز همان هدف را تعیین می کرد و تشکل اصلی مبارزه را نیز اعتماد و تحریم همگانی قرار داده بود، در آستانه انقلاب بیمن صدها کمیته مخفی فعالین کارگری از جمله مهمترین آنان که بنام سندیکاها می مستقل صنعت نفت فعالیت می کردند، با این هدف پدید آمده بودند. اما اکنون وضعیست از آن معنا و تاسیت، اکنون مطالبات اقتصادی در مرکز توجه کارگران است، اهداف جنبش توده کارگران عمدتا اقتصادی است.

هدف رسوای این صحنه سازی های مفتضح، که بنام «دادگاه علنی» اعلام شد، چیزی نیست و نخواهد بود جز تشدید کارزار جنگین ضد مکرراتیک - فساد کمونیستی و فساد شوروی، هدف اصلی سران رژیم از برای انداختن این محاکمات جلب اعتماد دو اطمینان امیریا لیستها و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است آنها را برای انداختن این نمایشات فرمایشی میخوانند به امیریا لیسم و ارتجاع داخلی اطمینان دهند که سیاست جمهوری اسلامی علی بنه دشمنان آنهاست و پیگیرترین مدافعان انقلاب و مردم در این رژیم جز شکنجه و زندان و اعدام نصیبی نخواهند داشت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صحنه سازی تازه و وقیحا نه ای را که ارتجاع حاکم میخواند تحت عنوان «دادگاه علنی» برآوردند از قویا محکوم و مجددا اعلام می کنند که تشکیل دادگاه علنی و عادلانه به معنای آنست که گروهی از بیژتکان و کارشناسان بیطرف جنسی قبل از آغاز محاکمات امکان یابند موضع جسمی و روحی زندانیان سیاسی را مورد معاینه قرار دهند، دفع هیات نمایندگی از طرف حقوقدانان دموکرات وضع یکا یک زندانیان، بیرونده های آنان و شیوه های بکار گرفته شده برای اخذ اعتراف را مورد بررسی قرار دهد، به زندانیان اجازت انتخاب وکیل مدافع از داخل یا خارج کشور داده شود و مطبوعات و رسانه های گروهی کشور نیز مجاز به انتشار نتایج این بررسیها و جریان واقعیتی دادگاه گردند.

جنبش کارگری با هدف دستیابی به اهداف صنفی

و طبیعا می در مبارزه برای کسب آزادی و حقوق و دموکراتیک کارگران است که با اردکهای سرکوب رژیم و حکومت جمهوری اسلامی نیردی میکنند، اکنون اعتصاب، کم کاری، تمجن، مراجعه دادخواهان به مسئولین، طومار نویسی، و غیره اشکال رایج مبارزه کارگران است هر نوع تلاش هسته مخفی جهت تمیل یک شکل مبارزه در حکم آسیب زدن به رابطه هسته با آن گروه کارگران است که تا دگی نارسند آن شکل مبارزه را بکار گیرند، بر این اساس هسته مخفی چه لحاظ شرایط عمومی کشور و چه لحاظ سطح تشکلها جنبش کارگری، همان کمیته اعتصاب نیست، هسته مخفی، سدیگای مخفی هم نیست اما سبیا کارگری یا هر نوع تشکل صنفی که از نظر کارگران مخفی باشد، بی معنایست سبیردن و وظایفی که سدیگای تشکلها کارگری بعدی میگردند به هسته های مخفی هم به کجراه کشیدن فداکارترین فعالین کارگری وهم محروم کردن کارگران از تجربه موثر آسان است.

علاوه بر آن جنبش کارگری شناسائی حق تشکیل سدیگاها کارگری را با دادن قریبانیهای بشمار به رژیم سلطوی تحمیل کرد، البته رژیم مغربوبیلوی مبارزه کارگران را با سرکوب مواجه میآید و امکان تشکیل آزادانه سدیگاها مستقل کارگری را از زمان برداشت، با این همه شناسائی این حق به تنهایی پیروزی بزرگی برای کارگران است و رژیم را هرگز جرات نیافت آنرا پس بگیرد، این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز قید شده و رسمیت یافته است این رژیم نیز تا کنون جرات نیافت که این حق را بطور رسمی بازستاند، اما تلاش ارتجاع همواره متوجه آن بوده و هست کسه تشکیلهای کارگری را در تلاشهای نامحسوس ارتجاعی شوکلی و زیرساختی کار و تلاشهای تحمیل پیش نویس جدید قانون کار و اصلاحات کذا فی شوراهای اسلامی همین هدف را تعقیب کرده می کنند، اما این تلاشها هیچکدام به نتیجه مطلوب نرسیده است، بسیاری از تشکل های کارگری باقی مانده اند، برخی کانون های منطقه ای کارگری بحیات خود ادامه می دهند، هم اکنون برخی تشکلها کارگری بویژه در بخش تعاونی مبارزات کارگران را رهبری میکنند مبارزه توده کارگران تشکیلهای موجود را فعال لاسر می کند و رهبری آنان را تحت فشار قرار می دهد تا خود را از هر جنبه تریبیا مواضع کارگران منطبق سازند، این مبارزات زمینه ایجاد تشکل های جدید کارگری را فراهم می کند، نشاندهنده مخفی بجای تشکل رسائی و علنی کارگری جز جفد تشکیلهای موجود از مبارزات جاری کارگران، از جمله صرف کردن مبارزه کارگران و تشدید خصلت خود بخودی مبارزه آنان، هیچ نتیجه دیگری نمی تواند داشته باشد، هسته مخفی در برابر تشکلها علنی کارگری قرار نداد، بلکه تکیه گاه و تضمین کننده تداوم فعالیت آن است، رهبری تشکلها علنی و مستقل کارگری بخشی از رهبری جنبش کارگری است که مبارزات کارگران را علنی رهبری می کند و هسته مخفی بخش دیگر آن است که در خفا به وظایف خود عمل می کند، این دو مکمل

هم میبمان عزیز ! مردم آزاده جهان ! بانک اعتراض مبارزه شما سران رژیم را و آدار ساخت این با صلااح دادگاه را فربیکا را نه «علنی» اعلام کنند و نیز از بیم شما آنها برای جلوگیری از افشای جنایات هولناکی که مرتکب شده اند تشکیلی دادگاه را به تاخیر انداختند، مبارزه و اعتراض شما یقینا می تواند حکام جمهوری اسلامی را و آدار سازد که درهای زندان را بروی خیرنگاران همیابند، بیطرف بین المللی وکلای مدافع واقعی کشاید و بر جنایات رژیم در زندانها لگام زند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با ردیگر صحنه سازی وقیحا نه ای را که ارتجاع حاکم میخواند تحت عنوان «محاکمه» برآوردند از قویا محکوم میکنند و رهبران همه کشورهای تریخخواه، احزاب کمونیستی و کارگری جهان همه سازمانها و نیروهای دموکراتیک و مترقی ایران وجهان را فرامیخوانند که با اعتراض هر چه وسیع تر خود، تلاشهای ارتجاعی و فدرمدمی مرتجعین حاکم از برای انداختن این صحنه سازیها را با شکستی مفتضحانه مواجه سازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آذر ماه ۱۳۶۲

یکدیگر بند و نمونه ای از تعلق هوشا را نه کارمخفی با کار علنی هستند، تحول شرایط تعیین می کند که کدام یک چه نقشی در مبارزه کارگران برعهده گیرند.

بطریق اولی هسته مخفی کارگری یک گروه بندی سیاسی یا یک حوزه حزبی نیست، سبوست مبارزه کارگران هرواحداست که همه فعالین کارگری با تمام نیرو در رهبری مبارزه کارگران آن واحد شرکت کنند، این متا رکت پیروزی مبارزه را بیشتر تا سمن می کند و استفاد ه کارگزاران تجربیات مبارزه گذشته کارگران را میسر می سازد، از اینرو اعضای هسته مخفی می توانند گرایشهای سیاسی و تفکرات اجتماعی و اعتقادات مذهبی متفاوت داشته باشند، مهم آن است که آنان محرب، مطمئن و در رهبری مؤثر باشند و بتوانند مبارزات توده ای و سدیگای کارگران را در دوره مختلف آن هماهنگ کنند، وحدت عمل همه کارگران را بر مبنای عقاید مذهبی یا سیاسی آنان در مبارزه سازمان می دهد، از اینرو ترکیب وظایف هسته مخفی با ترکیب وظایف حوزه حزبی بکلی جداست.

وظایف هسته های مخفی، همان وظایف رهبری جنبش کارگری در سطح واحد مربوط است، در شرایط کنونی مبارزه در راه افزایش دستمزد، بهبود شرایط زندگی و کار کارگران، جلوگیری از اخراج خود سرانه کارگران، تدوین و تصویب قانون کار مترقی، گسترش نقش تشکیلهای سدیگایی و تعاونی کارگری و نیز مبارزه در راه استقرار مطالبات اساسی آزادی و حقوق دموکراتیک کارگران، افشای سیاست ضد کارگری حکومت و نهاد های سرکوب و عوا مل مرتجع آنها، بخش اخبار، مبارزه و دفاع مت کارگران و دیگر اقتضای خلق، رجوس و لایف این هسته ها هستند.

انجام طبق برنامه و تقفحه این وظایف برای فعالیت بخش هسته ها، حائز اهمیت جدی است تشخیص اینکه کدام خواست از مجموعه مطالبات کارگران در لحظه معین، حمایت بیشترین کارگران را جلب می کند اهمیت فوق العاده دارد، پس از آن هسته مخفی باید نقشه روشن، در گرفتن آن خواست طراحی کند، تنظیم خواست کارگران، چگونگی جلب بیشترین نیروی کارگران به مبارزه، جستجوی راههای برخورداری از حمایت کارگران و اوجدهای دیگر، افزایش سهم تشکل علنی کارگری در رهبری مبارزه، پیش بینی اشکال مناسب حرکت و تجمع کارگران، چگونگی بی اثر کردن عوامل ارتجاع، پیش بینی راههای مقابله با بورژوازیها در سربزرگ رژیم و غیره در برنامه عمل هسته باید مورد توجه قرار گیرد، رهبری طبق نقشه، امکان ات پیروزی کارگران را افزایش می دهد و آنان را برای پیشبرد مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگری آماده تدریس می سازد.

مبارزه فعالین جنبش کارگری در راه افزایش تعداد، سهم و نقش هسته های مخفی در رهبری مبارزات کارگری در راستای سازمان سیاسی هر چه بیشتر جنبش کارگری ایران است، برای پیروزی مبارزه توده کارگران در سربزرگهای آینده، تشکیل هسته های مخفی فعالین کارگری ضرورت عاجل دارد.

مردم علیه کمک به جبهه‌ها، علیه اعزام به جبهه‌ها

گسترش تبلیغات سیاسی سازمان و تشبثات رژیم

کار خواست که آمار سال گذشته داوطلبان اعزام به جبهه‌ها از کارخانجات کرج را با آمار مقایسه کند و به بیند که چگونه سیر نزولی طی می‌کند (کلیان ۱۶ آبان ۶۳). شش نفر از کارگران کارخانجات کفین وین، که به زور به جبهه فرستاده شده بودند با اعتراض آنان و خانواده‌ها هایشان به خانه وکاشانه خود برمیگردند. کارگران ایران یاسا در هفته جنگ حاضر نشدند که ۴ ساعت بخاطر جنگ اضافه کار کنند. در کارخانه البرز از ۴۰۰ نفر کارگر زن تنها ۸ نفر حاضر شدند لیست جمع آوری یک روز حقوق برای ارسال به جبهه‌ها را امضاء نمایند. در کارخانه پارس خودرو کارگران نسبت به ارسال سود ویژه به جبهه‌ها اعتراض نمودند که مدیریت مجبور به پرداخت سود ویژه کارگران شد. در شرکت گلکوز و نشاسته کارگران نسبت به اختصاص یک روز حقوق به جبهه‌ها به اعتراض برخاسته و مسئولین شرکت را مجبور کردند یک روز بختنه را بجای آن تعطیل کنند. در کارخانه سیان ایک، تصفیه رفتنی تهران (اسو) کارخانه ورامین شماره ۱ و ۲ و در تعداد دیگری از کارخانه‌ها کارگران حاضر نشدند که حقوقشان جهت کمک به جبهه‌ها از دست برود. دهها نمونه از این رویدادها هر روز در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها اتفاق می‌افتد.

دهقانان از کمک‌های جنسی و مالی به جبهه‌ها خودداری می‌کنند... روستائیان علیرغم فشارهای شدید ما مورین فرزندان را راهی قتل‌گاه نمی‌کنند. آنها بدرستی می‌گویند: برای چه جوانان ما به جبهه‌ها بروند، در این صورت زمین‌ها را چه کسی باید بکارد؟ نمونه‌ها حتی از مسالومت دهقانان که در زیر به آن اشاره می‌کنیم هر روز در روستاهای سرسبز و اتفاق می‌افتد. در روستاهای هولی لان و اردلان از توابع ایلام هر بار که ما مورین رژیم برای سرازگیری به روستاها حمله می‌کنند، جوانان برای فرار از دست ما مورین به کوه پناه می‌برند.

در روستای "دهد" از توابع شهرستان اراک، پاسداران همراه بازانداریها سادات مشمولین را بازداشت کرده و بعد از انتقال به اراک زندانی می‌کنند. در زندان به مادران گفته می‌شود که باید محل اختفاء و زندگانی فرزندان خود را بگویند، در غیر این صورت هم چنان در سزاداشتی باقی خواهند ماند.

در پارس آباد دهقان سیاه پاسداران مدت‌ها قبیل عده‌ای از جوانان روستاهای اطراف را درواحد هائی بنام هسته‌های مقاومت روستایی سازمان داده بودند تا برای شرکت در جنگ آنها را بکار کنند. چندی قبل سیاه از اعضا این هسته‌ها می‌خواهد تا برای رفتن به جبهه‌ها ثابت‌نام نمایند. از میان ۴۰۰ نفر عبور نمی‌آیند هسته‌ها که سیاه به آنها مراجعه کرده بود، حتی یک نفر هم حاضر به اعزام به جبهه‌ها نشد.

همه مردم علیه جنگند، زنان دیگر به پشت جبهه‌ها کمک نمی‌کنند. مادران مانع اعزام فرزندان خود به جبهه‌ها می‌شوند، مراسم سوگواری و تشییع جنازه به مرکز ابراز تنفس و آزار مادران نسبت به جنگ تبدیل شده است. زنان در صف خرید و در تجمع‌های مختلف آشکارا سیاست جنگ طلبانه رهبران جمهوری اسلامی را افشاء می‌کنند. شهرها و روستاهای بی‌میلان شده به صحنه اعتراض‌توده‌ای تبدیل شده‌اند. پدران و مادران داغ‌خیزه با کین و نفرت نسبت به ادامه جنگ در تظاهرات شرکت می‌جویند و علیه حکام جمهوری اسلامی شعار می‌دهند.

معلمین و کارمندان در جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ فعالانه شرکت دارند. اعتراض آنان نسبت به کسر حقوقشان برای کمک به جبهه‌ها تشدید می‌شود. ناراضی‌نست نسبت به تداوم جنگ در بین پرسنل ارتش و سپاه افزایش یافته است. عده‌ای از کادریهای نظامی با شکل مختلف از رفتن به جبهه‌ها خودداری می‌کنند. استعفا در بین پرسنل ارتش و سپاه چشمگیر است بگونه‌ای که مسئولین مقررات سختی در این بقیه در صفحه ۶

آیت‌الله خمینی در دیدار اخیر سردمداران حکومت با وی بار دیگر ضمن حمله شدید به مخالفین جنگ اظهار داشت که "اگر کسی بگوید ما جنگ کنیم مخالفت‌ن است". وی از جوانان خواست که نسبتاً ناخوش رزیم مدام و استقرار جمهوری اسلامی در عراق بکنند، بلکه "تا آنجا که قدرت دارند نبرد کنند تا فتنه از عالم بر داشته شود."

آیت‌الله خمینی شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" سنده نگردید و شعار "جنگ تا رفع فتنه" در عالم "که از نظر ایشان استقرار جمهوری اسلامی در سراسر جهان است را سرداند. ایشان جنگ را بعنوان بزرگترین رحمت بر مردم نمودند. جنگ را رسالت بزرگ پیامبران تعریف کردند و بطور مشخص جنگ را بعنوان وسیله عمده توسعه اسلام و انقلاب اعلام کردند.

اطهارات اخیر آیت‌الله خمینی بار دیگر آشکارا نشان می‌دهد که ایشان برای دستیابی به آرزوهای خویش و به اصطلاح "دوران انقلاب" جمهوری اسلامی حاضرند خون میلیون‌ها جوان و مرد و پسر و جوان در میدانهای جنگ ریخته شود، شهرها و روستاهای کشور ویران کنند، اقتصاد کشور تخریب شود و زندگی مردم با زهم و حیم تر شود.

جنگ خانمانسوز ایران و عراق تاکنون مناسبت بشمار وفجایع بزرگی را برای مردم رنج‌دیده کشورمان سراز کرده است. مردم بلافاصله و فحایع جنگ و ویرانگری را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند و به مخالفت و اعتراض علیه آن برمیخیزند. اهداف، شعارها و برنامه‌های جنگ افسروان رهبران جمهوری اسلامی نزد مردم محکوم است. مردم میهن ما هر روز با فریاد راستی اعلام می‌دارند که: جنگ را پایان دهید، ما صلح می‌خواهیم!

عواقب اسفبار جنگ بر زندگی روزمره مردم موجب شده است که وسیع‌ترین اقشار جامعه سوی مبارزه بیشتر در راه قطع جنگ طلب شده و به اشکال مختلف خواهان استقرار جمهوری صلح شوند. در گزارش هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما به پلنوم همراه ۶۳ گفته شد: ادامه جنگ با مخالفت و اعتراض روزافزون توده‌های طبقه مواج است. اکنون بدرستی می‌توان از یک جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ سخن گفت که در سراسر میهن گسترش می‌یابد.

این جنبش با اشکال مختلف در بین مردم تجلی می‌یابد. سردمداران رژیم درمی‌یابند دیگر آن روزهای شته که توده‌های مردم به درخواست مسئولین داشته دست به مراکز ناموسی سیاه و وسیع جهت دفع تجاوز رژیم عراق مراجعه می‌کردند و کمک‌های عظیم جنسی و نقدی در اختیار مقامات می‌گذاشتند، سبزی شده است. اقدامات مذبحخانه رژیم برای تامین نیرو و جمع آوری کمک‌های جنسی و نقدی خود گویای این مسائله است.

امتناع جوانان از رفتن به جبهه رژیم را به اتخاذ تدابیر هرچه شدیدتری وامیدارد. زاندارمیری سیاه پاسداران، شهربانی وسیع محلات نیروی ویمی را برای بدام انداختن جوانان یکبار گرفته اند. ما مورین رژیم مرتباً برای مسئولین احضار می‌نفرستند، سخاها همراجه می‌کنند، پدرها و مادرها را مورد ضرب و ترحم قرار می‌دهند و در مواردی اعضا خانواده را برای تحویل فرزندان تا زمان بازداشت می‌کنند و بعنوان گروگان نگهداری می‌کنند. ما مورین محل کار، مناطق روستا و آمد و زودی و خروجی شهرها را کنترل می‌کنند، به سناها، اتوبوسها و دیگر مکانهایی تجمع و ورود مردم هجوم می‌آورند تا جوانان را بکشدن از جنگ را به قربانگاه‌ها بفرستند. با وجود این بیگردهای گسترده، جوانان به شیوه‌های مختلف از جنگ ما مورین می‌گریزند. رهبران جمهوری اسلامی که برای نیل به اهداف خود افراسی کردن دانش‌آموزان نیز راه‌های ندارند، امروز بیش از پیش خود را درگیر آنجا به جبهه تاوان می‌یابند. با وجود تعهداتی که اردانش‌آموزان برای اعزام به جبهه‌ها گرفته می‌شود، مرتباً از تعداد آنان برای مراجعه بمرکز ثبت‌نام کاسته می‌شود.

کارگران بر دامنه مخالفت خود نسبت به ادامه جنگ بی‌افزایشند. آنان شدیداً در مقابل کاهن دستمزد خود جهت کمک به جبهه‌های جنگ معاف می‌کنند. کارگران به جبهه‌ها نمی‌روند و باج بیوشن فرزندانشان به نیروی بی‌م می‌شود. این امر آنچنان نمود بارزی یافته که محقق نماینده کرج در مجلس شورا ازوربیر

اخیراً تلاشهای مسئولان و ما موران جمهوری اسلامی برای خنثی کردن فعالیت فدائیان، به ویژه تلاش آنها برای دستیابی به مراکز انتشاراتی و متوقف کردن و از بین بردن تبلیغات سازمان شدت بسیار یافته‌است تاکنون بخشنامه‌ها دستورالعمل‌های بسیاری از سوی نهادی اطلاع‌اتی و امنیتی رژیم صادر شده که مضمون آنها منع کنس کننده این تلاشهای رژیم علیه سازمان است. از جمله ری شهری وزیر اطلاعات و امنیتی جمهوری اسلامی بخشنامه‌ای خطاب به دادستانیها، کمیته‌ها و سپاه پاسداران صادر کرده و از آنها خواسته‌است که بعلمت تشدید فعالیت فدائیان خلق (اکثریت) اقدامات ویژه‌ای جهت "مخالفت کردن" تشکیلات ما بکار گیرند و بقبول خود هر چه زودتر تشکیلات فدائیان خلق ایران (اکثریت) را از میان بردارند. دادستانی به اصطلاح انقلاب نیز بخشنامه دیگری صادر کرده و به ارگانهای تابعه خود مقرر کرده‌است:

"اخیراً مشاهده شده‌است که گروهک اکثریت (ا) علامیه و تراکت در سطح وسیع پخش می‌کند. لذا تمام ارگان‌های تابعه موظفند که در جهت شناسائی و نابودی این انتشارات گروهک اکثریت در سراسر کشور بکوشند". شهربانی جمهوری اسلامی نیز از قافله مغایله‌گران عقب‌نمانده و بخشنامه جدیدی مبنی بر مغایله با فعالیت سازمانهای انقلابی صادر کرده است. در این بخشنامه گفته شده فدائیان توده‌ایها نیروهای خود را از میان داده و مخفیانه مشغول فعالیت هستند و می‌خواهند شرایطی نظیر سالهای ۵۶ و ۵۷ را به وجود آورند. شهربانی جمهوری اسلامی به تبعین خویش فرموده‌است که باید بقبول خود افراد وابسته با این سازمانها دستگیر و تشکیلات آنها نابود گردد.

ارگانهای سرکوب رژیم برای اجرای این وظایف ضد انقلابی و تبهکارانه بیگ‌سلسله اقدامات دست می‌زنند. از جمله آنها تعقیب و مراقبت برای دستیابی به مسئولان و فعالین سازمان ما را شددت داده‌اند و همچنین تلاش می‌کنند تا ما موران خود را در صفوف نیروهای سازمان رخنه دهند.

تشدید این قبیل تلاشهای رژیم، خصوصاً کوشش‌های آن برای خنثی کردن تبلیغات انقلابی سازمان روشن و قابل فهم است برای کسانی که پیش از هر چیز از اشاعه کاهی انقلابی در میان توده‌های میلسونی متعرض هراس دارند. هر چه می‌توانند ترساک ترا از این حدت که تا حدی بخش شدن اسناد افشاء کننده خود، شاهدیخشی تشکیلات پیشاهنگ طبقه کارگر در میان توده‌ها باشد؟

برای مرتجعینی که تلاشها مینا را بدستیا بی به رهبری و متلاشی کردن سازمان ما عقیم مانده است چه چیزی بیش از بخش وسیع ارگان مرکزی و دیگر نشریات کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌تواند مانع خشم توده‌ها

فدائیان خلق تراکتها، اعلامه‌ها و نشریات سازمان خود را در سراسر کشور پخش می‌کنند و شعارهای سازمان را بر دیوارهای کارخانه‌ها و ادارات نقش می‌کنند. فدائیان خلق همچنان که در سخت‌ترین شرایط دربر تو هوشیاری و کار بستند تا بزر فروز تشکیلاتی این وظایف خود را انجام و گسترش دادند، اینک نیز با افزون رفتن دست و هوشیاری انقلابی و بکارگیری همه تدا بفرلام جهت مقابله با نیروک‌های کوساکون دشمن، با بررسی مداوم و دقیق روش‌های مختلفی که ارگان‌های سرکوب بکار می‌بندند، و یافتن راه مقابله مناسب با آن ما مورین سرکوب رژیم را در اجرای فرامین حکام مستبد ساکام جواد گذاشت.

امروز فردان نیز باخ فدائیان به دسرس جزانجام و گسترش بیگریانه وظایف انقلابیانشان نسبت

با جمع آوری کمک‌های مالی

فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

کمک‌های مالی خود را به حساب زیروار بکنید

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

با نگاه مکتوبه کنید!

آدرس: اتریش
P1.10
1091 WIEN
AUSTRIA

پیش بسوی جبهه متحد خلق